

# شهرهای

## بزرگ در

### جهان سوم

نوشته: دکتر آنا پیرساگوا

ترجمه: دکتر محمد حریری انگری

یکی از مسأله بزرگ دنیای معاصر رشد بسیار سریع جمعیت است. جمعیت جهان اخیراً به پنج هزار میلیون (= پنج میلیارد) نفر بالغ شده و با تداوم میزان رشد سالانه کنونی، یعنی هشتاد میلیون نفر، قبل از اتمام سده به شش هزار میلیون (= شش میلیارد) نفر خواهد رسید. رشد جمعیت با مهاجرت جمعیت از مناطق روستایی به شهرها همراه است. به نحوی که شمار جمعیت شهرنشین افزایش خیلی بالایی دارد. متخصصین جمعیت‌شناسی سرازیر شدن سکنه مناطق روستایی به شهرها را به مثابه "بزرگترین مهاجرت توده‌وار" در تاریخ بشر" می‌نامند. پیدایی مشکلات با این رشد جمعیت سریع به ویژه در شهرهای کشورهای در حال توسعه، آشکار است. در کشورهای صنعتی پیشرفته نیز مسائل خاصی در رابطه با رشد شهرهای بزرگ وجود دارد، اما وضع آنها به وحات وضع کشورهای در حال توسعه نیست. در حال حاضر یک هزار میلیون نفر از سکنه کشورهای در حال توسعه در شهرهای بزرگ به سر می‌برند و این تعداد، اگر نرخ مهاجرت و رشد (۴/۵ درصد) کنونی ادامه یابد، در پایان سده حاضر به بیش از دو هزار میلیون نفر (۲،۱۱۶ میلیون نفر) بالغ خواهد شد. اغلب مهاجرین روستایی در شهرهای بزرگ جهان سوم در زائده‌ها به سر می‌برند.

رشد کنترل نشده شهرهای بزرگ در کشورهای آسیایی، افریقایی و آمریکای لاتین مسأله‌ای بار می‌آورد که حل آنها دشوار است. بخشهای فقیرنشین، شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه را در محاصره گرفته و تعداد سکنه این بخشها در مقایسه با رشد جمعیت شهر به میزان دو تا چهار برابر میانگین رشد جمعیت، افزایش دارد. کاهش سکنه شهرهای بزرگ در این کشورها رشد چندانی ندارد. جمعیت پایتختهای کشورهای منطقه جنوبی صحرای افریقا (ناپروسی، لاگوس، کینشاسا و غیره) طی برهه زمانی ۱۹۵۰ الی ۱۹۸۰ هفت برابر افزایش یافته است. جمعیت قاهره، کارابلانکا، مکزیکو، لاپاز، لیما و سایر شهرها

در همان زمان دو یا سه برابر گشته‌اند.

با توجه به این رشد، کشورهای در حال توسعه امروزه از نظر داشتن تعداد شهرهای با سکنه بالغ بر ده میلیون نفر، مقام بالایی را به دست می‌آورند. در ۱۹۷۰ فقط نیویورک و شانگهای دارای سکنه‌ای بالغ بر ده میلیون نفر بودند، در حالی که اکنون یازده شهر بزرگ با این تعداد جمعیت وجود دارند که هشت‌تای آنها در کشورهای در حال توسعه هستند. مکزیکو با هجده میلیون نفر جمعیت در صدر این فهرست جای می‌گیرد، پس از آن توکیو با داشتن هفده میلیون نفر و سپس ساوپولو (برزیل) با شانزده میلیون سکنه به ترتیب ریز آن قرار دارند.

رشد بیش از اندازه شهرها می‌تواند با مهاجرت جمعیت مناطق روستایی به شهرها توضیح داده شود. به عنوان مثال، در شهر مکزیکو سالانه ۴۶۰،۰۰۰ نوزاد پا به دنیا می‌آوردند و هر سال ۴۰۰،۰۰۰ نفر مهاجر به این شهر وارد می‌شوند. شهرنشینان به حق از رشد زیاد شهرها می‌ترسند؛ بنا به پیش‌بینیهای واقع‌گرایانه متخصصین سازمان ملل متحد در فراگرد سده بیستم به بیست و یکم، جهان دارای بیست شهر خواهد بود که سکنه آنها بالغ بر یازده میلیون نفر خواهد شد. فقط سه شهر از آنها، یعنی نیویورک، توکیو و لوس‌آنجلس در کشورهای پیشرفته خواهند بود و بقیه در کشورهای آسیایی، افریقایی و آمریکای لاتین قرار خواهند داشت. شهر مکزیکو با داشتن بیست و شش میلیون نفر سکنه در صدر قرار خواهد گرفت، پس از آن ساوپولو با داشتن بیست و چهار میلیون نفر و کلکتا و بمبئی هر کدام با داشتن شانزده میلیون نفر.

علت عمده رشد جمعیت شهر عبارتست از سرازیر شدن سیل‌آسای روستائیان که زمینهایشان را از دست داده‌اند و می‌خواهند از واپس ماندگی، محصول بد، گرسنگی و بیکاری موجود در مناطق روستایی بگریزند و امیدوارند با یافتن کار در شهرها برای موجودیت خود تضمینی دست و پا کنند. به هر روی، زیر ساخت شهرهای بزرگ نه تنها در آمریکای لاتین، بلکه در سراسر جهان در حال توسعه هرگز آمادگی جذب این سرازیر شدنهای توده‌وار را ندارد. کمبود آب آشامیدنی، وضع اسفناک فاضلابها در بخشهای فقیرنشین که همین‌طور به گسترش خود ادامه می‌دهند، علت عمده وضع بهداشتی فاجعه‌بار، شیوع بیماریهای عفونی و در نتیجه بالا بودن میزان مرگ و میر، به ویژه در بین کودکان است. مثلاً در قسمت‌های فقیرنشین مانیل، نرخ مرگ و میر کودکان سه برابر بیشتر از نرخ مرگ و میر کودکان در سایر بخشهای پایتخت فیلیپین است.

رشته‌های فقیرنشین رشد جمعیت در افریقا روی می‌دهد، چون دارای بیشترین درصد رشد شهرنیشینی (سالانه ۴/۶ درصد) بوده و همچنین رشد جمعیت بسیار بالایی دارد.

آسیا قاره‌ای است که از نظر شهرنیشینی تفاوت‌های فاحشی در آن دیده می‌شود. رشد جمعیت عمدتاً به جهت افزایش طبیعی سکنه

آن است. چین و هندوستان از نظر رشد جمعیت شهرنشین، پیشاپیش سایر کشورها قرار دارند.

در آمریکا لاتین، رشد جمعیت در شهرها چهاربار سریعتر از رشد آن در مناطق روستایی است؛ مکزیک و برزیل در این زمینه سریعترین رشد را دارند.

برخلاف کشورهای پیشرفته صنعتی، روند شهری شدن در افریقا، آمریکا لاتین و در برخی قسمتهای آسیا به ندرت منطبق بر مقتضیات ساخت اقتصادی و توسعه اجتماعی انجام می‌گیرد. بخش مهمی از جمعیت شهرهای بزرگ در جهان سوم در موقعیت اجتماعی ظالمانه‌ای به سر می‌برند که با "اصلا" و "ابدا" اعتقالاتی ندارند و با فقط کارهای فصلی انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد حدود یک سوم سکنه شهرهای افریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین بی‌کارند.

رشد بیش از حد مجتمع‌های شهری به این واقعیت منجر می‌شود که کلان‌شهرهایی مانند لاکوس در نیجریه، در مین‌حالی که از جمله جدیدترین شهرهای افریقا به شمار می‌روند، مجموعه‌ای از فقر، جنایت، فحشاء و سایر زشتکارهای اجتماعی را در خود گرد می‌آورد. ظالمانه‌ترین چهره مسأله مسکن، در گسترش زائیفینی و پناه جستن عمده کثیری از افراد بی‌خانمان در زیر پلها و طاقهای بزرگ و محوطه‌های بازارها به چشم می‌خورد.

مثالی دیگر از شهری که جمعیتش بیش از حد متراکم است و تمامی نشانه‌های منفی در آن به چشم می‌خورد، کلکته بزرگترین شهر هندوستان و هفتمین شهر بزرگ دنیا است که بر اساس آمارهای سازمان ملل ۹۰۱۹۵۰۰۰۰ نفر در خود شهر و ۱۵۰۳۰۰۰۰۰ نفر در منطقه کلان‌شهر کلکته سکنه دارد.

روزنامه‌نگاران سرتاسر جهان کلکته را که دارای رشدی کنترل‌ناپذیر، هزاران ساکن حاشیه خیابان، جمعیت ماراد و زیرساختی غیر کارآمد است، نمونه یک "شهر بیمار" می‌نامند. با اینکه هنوز کلکته از جمله فقیرترین شهرهای هند و شاید هم یکی از فقیرترین شهرهای جهان است، طی ده سال گذشته در تعدیل برخی از حادثترین نارساییهای زیرساختی شهر مانند بهبود بخشیدن به ذخیره آب آشامیدنی، گسترانیدن شبکه فاضلاب و پیاده کردن تعدادی طرح بهداشتی عمده در حومه شهر، ترفی در خور توجهی کرده است.

بیشترین حد رشد طبیعی را ساووپولو بزرگترین شهر نیمکره جنوبی به دست آورده که دارای نزدیک به هفده میلیون سکنه و هزاران کارخانه است که برخی از آنها بیش از چهار هزار نفر در استخدام خود دارند و فرصتهای کاریابی آنجا مردم فقیر را از اطراف انکاف کهور جلب می‌کند. در این شهر دو میلیون نفر در زائعه‌ها بسر می‌برند و چهار میلیون نفر دیگر در ویرانه‌های منزلهای اطراف و بوزوهای سابق که به نام "کورتیکوس" Corticos معروفند، زندگی می‌کنند. جنایت، فحشاء و بیماریهای عفونی از

ویژگیهای هر شهر با جمعیت بیش از حد متراکم است که با تراشیک عفونی که هوا را به طور غیر قابل تنفسی دودآلود می‌کند، درهم می‌آیزد.

مسائل ظالمانه‌ای که رویاروی شهرهای بزرگ قرار دارند، با ویژه در کشورهای در حال توسعه، راه حل بسیار پیچیده و جاسی را می‌طلبند که آن هم با دشواریهای عظیم اقتصادی و اجتماعی مواجه است.

شمار فزاینده زائعه‌ها و گسترش مناطق فقیرنشین در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، پیامد کمبود مسکن کافی و از لحاظ مالی قابل دسترسی برای مهاجرین است که با در نظر گرفتن رشد شهرها، مسأله زائعه و راهه نصیبی را به صورت غیر قابل حل در می‌آورد. گاهی اوقات حکومتها و مقامات شهر می‌کوشند با تخریب قهبری زائعه‌ها، دست به حل مسأله بزنند، اما چنین کاری فقط موقعیت را بدتر می‌کند، چون فقرا از پناهگاههایشان محروم شده و خود را در آستانه ملامتی شدن می‌یابند.

یگانه راه جلوگیری از گسترش زائعه‌ها عبارتست از تبدیل این جایگاههای رشدیافته جنایت و فقر به محل‌های سکونت با اندازهای در خور. تخمین زده می‌شود که فراهم سازی تسهیلات ضروری در این بخشهای فقیرنشین تا سال دوهزار ۱۱۶۰۰۰۰ میلیون دلار آمریکا خرج بر می‌دارد (بودجه نظامی ایالات متحده در حدود ۳۰۰۰۰۰۰ میلیون دلار است).

پنا به پیش‌بینی سازمان ملل تعداد مهاجرین در شهرهای بزرگ به رشد خود ادامه خواهد داد و اغلب آنان در فقر و فاقه بسر خواهند برد. به راستی تصور آینده کلان‌شهرهایی با تراکم جمعیت بیش از حد (تا چهل میلیون نفر سکنه) گریبانگیر جنایت، ذخیره آب ناکافی، هوای آلوده و مسائل حمل و نقل حل ناهدنی، و حشتناک است.

حکومت‌های برخی از کشورهای جهان سوم، برنامه‌هایی به منظور از میان برداشتن تفاوت‌های موجود بین شهرها و روستاها را ارائه کرده‌اند و در آنها بر روی این نیاز تأکید شده است که به رشد شهرهای بزرگ پایان داده شود و در جهت رونق بخشیدن به مناطق روستایی بر اساس مطالعات سازمان ملل، راه حل بهینه مسأله شهرهای دارای جمعیت بیش از حد متراکم، عبارت از آباد کردن مناطق روستایی است که آن هم نیازمند آماده ساختن سکنه، فراهم آوردن ابزار، تهیه بذر و گردآوری سایر لوازم است. تا کسانی که به این مناطق کوچ می‌کنند بتوانند دوباره به کشت و کار بپردازند. به عنوان مثال صدها هزار سکنه هوشی مین ویتنام و جاگارتای اندونزی، شهر را ترک گفتند تا در مناطق روستایی اسکان یابند. این یک راه حل واضح‌گرایانه برای مسأله کنترل‌ناپذیر رشد شهرهای بزرگ در کشورهای در حال توسعه است که شرایط اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌ای دارند.